



سرمقاله

خ-عمواوغلی

ارزان سازی نیروی کار و نیروی کار ارزانتر زنان

در این شماره :

**بمناسبت شهادت چهار ستاره سرخ ترکمن صحرا
و تاسیس کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن**

صفحه ۵

**تاثیر شگرف قیام زن ، زندگی، آزادی بر مبارزات
زنان**

صفحه ۷

**به یاد و خاطره پنجاه و سومین سالگرد حماسه
سیاهکل و ۴۵ مین سالگرد قیام بهمن ماه ۱۳۵۷**

صفحه ۱۱

اخیراً کارگران صنایع غذایی "شیرین غسل" و "بستی اطمینان" تبریز دست از کار کشیده و مقابل کارخانه به تجمع و تظاهرات پرداختند. این بار اعتراض کارگران به گرانی کالاهای مصرفی و ناتوانی آنها در تأمین حداقل معیشت خانواده با دستمزد تعیین شده توسط شورای عالی کار بود. کارگران این کارخانهها با ۱۲ ساعت کار روزانه و یک روز تعطیل در هفته جزو حداقل بگیرها هستند. یعنی طبق حقوق تعیین شده وزارت کار نزدیک به ۷ تا ۹ میلیون تومان در ماه حقوق می گیرند که آن هم اگر کارفرما لطف کرده به موقع پرداخت بکند. درحالی که تورم و گرانی کالاهای بیداد می کند و اجاره مسکن و مخارج ایاب و ذهاب و لباس و تحصیل فرزندان و مخارج دوا و دکتر سر به فلک کشیده است و حقوق و دستمزد اندک کارگران چگونه می تواند کفاف هزینه سنگین زندگی را بدهد!؟

ادامه در صفحه ۲

بیش از یک ساعت در راه هستند، تا ساعت ۷ صبحانه می‌خورند و رأس ساعت ۷ شروع به کار می‌کنند؛ ایستاده و بدون وقفه پای دستگاه... " حق نشستن نداریم، این یک قانون است! "

او ادامه می‌دهد: " اینجا دخترانی هستند که از سن ۱۹ سالگی به‌خاطر شرایط خانواده آمده‌اند و کارگری می‌کنند. صبح تاریک می‌آیند و شب تاریک می‌روند و حتی فرصتی برای فکر کردن به ازدواج هم ندارند. زنانی هستند که از بس سرپا ایستاده‌اند، زانوهایشان کج شده اما چاره‌ای ندارند و برای گذراندن زندگی باید کار کنند؛ یکی جهیزیه جور می‌کند، یکی باید کرایه خانه بدهد... "

چنین است وضعیت بخش بزرگی از طبقه کارگر و زحمت‌کشان ایران که بنا بر برآوردهای مؤسسات بین‌المللی از لحاظ تعداد میلیاردرها در جهان پنجمین کشور شناخته شده است و مافیای قدرت و ثروت حاکم بر آن در فساد و چپاول و استثمار نیروی کار زبان زدند.

اگر تقسیم کار در نظام سرمایه می‌انجامد، کار اشتراکی به باروری انسان‌ها و شرکت داوطلبانه آنها در تولید اشتراکی یاری می‌رساند. سوسیالیسم با محور مناسبات کارمزدی و برپایی سازمان نوین کار اشتراکی، بساط تقسیم کار مبتنی بر تولید سرمایه‌دارانه را برمی‌چیند و کار نه وسیله‌ای برای زیستن، بلکه به نیاز حیاتی و اولیه مبدل می‌شود.

از برنامه

سازمان اتحاد فداییان کمونیست

ادامه در صفحه ۳

کارگران اعتصابی در مصاحبه با خبرنگار گفته‌اند: " ساعت ۵ و نیم سوار سرویس می‌شوند ۷ شروع به کار می‌کنند و ساعت ۶ بعداز ظهر خروج می‌زنند و ۸ شب به خانه می‌رسند. "

زن جوانی به نمایندگی از دیگر کارگران، می‌گوید: " از شنبه تا پنج‌شنبه ۱۱ ساعت کار می‌کنیم، سه ساعت اضافه کار اجباری است و با این میزان کار، اگر جریمه نشویم، ماهی ۹ تا ۹ و نیم میلیون تومان حقوق می‌گیریم. " با احتساب ایاب و ذهاب یعنی رفت و برگشت به خانه ۱۴ ساعت از زندگی روزانه شان در اختیار کارفرما است. درحالی‌که خسته و فرسودی به خانه می‌رسند رسیدگی به مشکلات خانه و فرزندان نیز به استقبالشان می‌آیند با کوهی از هزینه‌ها و مشکلات و حقوقی که طبق اظهار یکی از کارگران کفاف معالجه یک دندان‌درد را هم نمی‌دهد.

این وضعیت تنها شامل این دو کارخانه که کارگزارانش دست به اعتصاب و اعتراض زده‌اند نمی‌شود بلکه بسیاری دیگر از کارخانه‌های کوچک و بزرگ مواد غذایی، بافندگی و خیاطی و تولیدی‌ها که اکثر کارگران آنها زن هستند وضعیت مشابهی دارند، نیز گرفتار این مصیبت هستند. به گفته یکی از کارگران زن " اکثر کارگران کارخانه‌های مشابه زن هستند و درآمدشان با ۱۱ ساعت کار در ۶ روز هفته حدود ۹ میلیون تومان است. آنها نیز همچون کارگران کارخانه قبلی، ۵ و نیم صبح سوار سرویس می‌شوند و



نمی‌یابند. راه چاره کارگران وحدت و تشکیلات است. تشدید مبارزه و در همان حال ایجاد تشکیلات ولو کوچک و سپس گسترش آن و سرانجام پیوند سراسری میان سازمان‌های کارگری در اشکال مختلف اقتصادی و سیاسی، تشکیلات‌های مخفی متشکل از کارگران

کمونیست نظیر هسته‌های سرخ، تشکیلات‌های نیمه علنی و علنی از وظایف اولیه و مهم کارگران پیرو و پیشگام و سایر کارگران مبارز است که می‌دانند چاره کارگران وحدت و تشکیلات است.

ادامه از صفحه ۲

یعنی زیر سرنیزه سرکوب جمهوری اسلامی اکثریت عظیم نیروی کار و زحمتکش جامعه از صبح تا شب جان می‌کنند تا بتوانند لقمه نانی سر سفره خانواده خود ببرند که طبق اظهارات کارگران اعتصابی کارخانه‌های فوق، درآمد آنها حتی کفاف قوت لایموت‌شان را هم نمی‌دهد. رژیم جمهوری اسلامی که تلاش کارگران و زحمت‌کشان برای داشتن تشکلهای مستقل خود را سرکوب کرده و صدای هر آزادی‌خواهی را در گلو خفه می‌کند شرایط مطلوبی را برای تشدید استثمار طبقه کارگر و فساد و دزدی و اختلاس‌های میلیاردی صاحبان ثروت و قدرت فراهم نموده است که ارزان سازی نیروی کار هم تنها یکی از آنها است. ارزان سازی نیروی کار در ایران یک روال همیشگی بوده است اما چند سالی است که تحت عنوان عوام‌فریبانه "حمایت از تولید" دستگاه‌های دولتی از صاحبان سرمایه برای تشدید استثمار و کاهش دستمزدها حمایت بی چون و چرا به عمل می‌آورند. و برآند تا بار بحران اقتصادی و مخارج دولتی را از گرده کارگران و زحمت‌کشان بکشند. و در این میان زنان که مجبورند برای تأمین اولیه‌ترین مایحتاج زندگی روزانه چهارده ساعت کار کنند ارزان‌ترین نیروی کار در چرخه تولید و استثمار محسوب می‌شوند که صدایشان به جایی نمی‌رسد و اساساً با احتساب کار خانگی حتا اندک فرصتی برای استراحت



برای مبارزه سازمان یافته کارگران و زحمتکشان و برای سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری سیستم اقتصادی اجتماعی نوین مبتنی بر شوراها در یک جبهه انقلابی. متحد شویم.

کارگران و زحمتکشان :

جامعه ایران آستان حوادث و تحولات عمیقی است به همین دلیل رژیم برای احتراز از وقوع قیام‌های توده‌ای، شمشیر را از روسته است و سرکوب جنبش کارگری و جنبش‌های اجتماعی را تشدید نموده است. وظیفه همه ما کارگران و عموم زحمتکشان است که در برابر تشدید سرکوبگری رژیم، متحداً در داخل و خارج کشور به مبارزه و مقاومت ادامه دهیم. نیروهای چپ انقلابی و جنبش‌های اجتماعی سوسیالیستی، آزادیخواه و مترقی میباید در اتحاد باهم و با طرح خواست‌ها و مطالبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی توده‌های رنج‌دیده و استثمار شده، به امر آگاهی و سازمانیابی جنبش طبقه کارگر و سایر جنبش‌های اجتماعی مترقی و دموکراتیک یاری رسانند. مقابله با نظام حاکم و دستگاه سرکوبگر آن، پایان دادن به پراکندگی مبارزات، و گردآمدن گردانهای کار و زحمت در یک جبهه انقلابی بمنظور گسترش مبارزه برای سرنگونی انقلابی رژیم و استقرار ساختار اقتصادی و اجتماعی نوین مبتنی بر شوراها راه امری فوری و ضروری تبدیل کرده است. امروزه خواست‌ها و مطالبات اقتصادی و رفاهی طبقه کارگر و توده‌های رنج‌دیده و زحمتکش مردم با مطالبات آزادیخواهانه و دموکراتیک درهم آمیخته است و شرکت گسترده و متحد در اعتراضات، اعتصابات، و تظاهرات و سایر اشکال مبارزه بر علیه ستم و استثمار و سرکوب و نیز آزادی کارگران زندانی و سایر زندانیان سیاسی یک وظیفه تعطیل‌ناپذیر هر انسان آزادیخواه و انقلابی محسوب میگردد.



بمناسبت شهادت چهار ستاره سرخ ترکمن صحرا و تاسیس کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن

واستثمار در چهارچوب جغرافیائی ایران قبل از قیام ۵۷ از ستم ملی و جنسیتی و طبقاتی در رنج و غذاب بودند (که البته هنوز هم هستند) زمینهای وسیع و حاصلخیز این منطقه و مهاجرت از مناطق خشک و کم آب و فاقد امکانات زندگی، نیروی ارزانی را در اختیار صاحبان زمینهای بزرگی کشاورزی قرار میداد از طرفی این نیروی کار ارزان در تغییر ترکیب جمعیتی این مناطق نیز بکارگرفته میشد. زمینهای وسیع و حاصلخیز از یک طرف و مهاجرت نیروی کار ارزان غیربومی از طرف دیگر موقعیت مناسبی برای صاحبان قدرت فراهم میکرد تا بتدریج زمینهای کشاورزان محلی را به ثمن بخرس خرید و یا با توسل به زور و سرنیزه آنها را تصاحب کنند. بعد از اصلاحات ارضی هم این روند بشدت ادامه یافت. تغییر از مالکیت فئودالی و عشیره ای به مناسبات سرمایه دارانه در واقع نه در نتیجه تقسیم اراضی بین دهقانان بلکه با خریدن و یا تصرف بازور بوسیله وابستگان به در بار شاهنشاهی و سایر سرمایه دارانی که بنوعی با خاندان پهلوی ارتباط داشتند عملی شد،

ادامه در صفحه ۵

آن مقطع تاریخی مطالب زیادی نوشته شده است. که خوانندگان مطلب میتوانند با مراجعه به این اسناد و نوشته ها در این زمینه نسبت به وقایع ترکمن صحرا در آن مقطع اطلاعات بیشتری بدست بیاورند. قصد این نوشته ضمن گرامیداشت یاد چهار رهبر ترکمن و صدها انسان مبارز و انقلابی دیگری که در سراسر این منطقه برای دفاع از حقوق خود و سایر زحمتکشان چنان فدا کردند. ارائه تحلیل مختصری از علل عروج و افول جنبش شوراهای ترکمن صحرا است که شاید تجربه های درس آموزی در بر داشته باشد.

زمینه های عینی جنبش شورائی و شکلگیری شورا ها در ترکمن صحرا دانسته است که هیچ جنبش توده ای به اراده این و یا آن فرد و حزب و دسته و یا نقشه و توطئه این یا آن قدرت خارجی بوجود نیاید و بدون داشتن زمینه های عینی امکان بروز و به صحنه سیاسی آمدن را ندارد. جنبش دهقانی در ترکمن صحرا و پدیداری شوراها نیز از این قاعده کلی مستثنی نبود.

ترکمنها همچون سایر خلقهای تحت ستم

۱۸ بهمن ۱۳۵۸ توماج، جرجانی، واحدی و مختوم چهارتن از رهبران زحمتکشان ترکمن صحرا در گنبد بوسیله مزدوران جمهوری اسلامی ربوده شدند و در ۲۹ بهمن ماه اجداد شکنجه شده و گلوله باران شده آنها بوسیله چوپانی در بیابانهای نزدیک بجنورد کشف شدند.

رهبران تازه به قدرت رسیده جمهوری اسلامی که شامل همان تجار و سرمایه داران عمده دوره شاه و بیعلاوه روحانیون مرتجع و مفتخور و لمپن های چماق بدست آنها بودند و فرمان قتل این چهارتن از رهبران شوراهای ترکمن صحرا را صادر کرده بودند، مدتها منکر دست داشتن در این جنایت بودند تا اینکه بعد از افشاگریهای بیشمار و اعتراضات اجتماعی، خلخال جلااد حاکم شرع منصوب خمینی اعتراف میکند که این قتل ها به حکم وی صورت گرفته است.

در باره چگونگی سیر وقایع و آمران و عاملان این جنایت و قتل های بیشمار دیگری که در جریان سرکوب شوراهای ترکمن صحرا صورت گرفت و نیز مواضع سیاسی احزاب و جریانات سیاسی در

دموکرات انامیده بود، در ترکمن صحرا هم به تضعیف پای مادی جنبش شورائی انجامید و از آن پس بموازات تسلط و قدرت گیری رژیم اسلامی تازه بقدرت رسیده ، قدرت شوراها هم رو به تضعیف گذاشت و سرانجام بعد از پشت سر گذاشتن وقایع بیشمار که در این مقاله جای پرداختن بدانها نیست ، رژیم تازه بقدرت رسیده که تا حدودی استقرار یافته بود و مشغول قلع و قمع جنبشهای اجتماعی و محو آزادیهای سیاسی ناشی از قیام توده ها بود در اتحاد با مرتجعین محل لشگرکشی به ترکمن صحرا را آغاز و سرکوب جنبش دهقانی و شوراهاى آنها را در پیش گرفت . در جریان همین یورش اولیه بود که در روز هجدهم بهمن ۵۸ چهار رهبر انقلابی و مورد احترام خلق ترکمن بنامهای توماج - مختوم - جرجانی و واحدی را که نقش موثری در رهبری مبارزات دهقانان ترکمن صحرا داشتند ربودند و در روز ۲۹ بهمن ماه اجساد شکنجه شده و تیرباران شده آنها در بیابانهای بجنورد پیدا شد.

یاد این چهار آذرخش ترکمن و همه جانبختگان جنبش انقلابی و شورائی ترکمن صحرا گرامی و جاودان باد.

آمده بود و یا در آینده ممکن بود پیش بیاید. در چنین شرایطی بود که □ کانون سیاسی و فرهنگی خلق ترکمن □ که قبلا و در جریان قیام توسط عده ای از هواداران سازمان تشکیل شده بود نشستی را برگزار و در روستاهای خوجه لر - گرگز - ۱۵۰۰ هکتار زمینی که توسط سروان هنرور نماینده غلامرضا پهلوی و منجم و انصاری غصب شده بود ، مصادره و با تشکیل شورای دهقانی این منطقه اقدام به کشت شورائی نمودند. با گسترش استرداد زمینها غصب شده تشکیل شوراها هم گسترش یافت و در ۲۵ اسفند ماه ستادی بنام ستاد مرکزی شوراهاى ترکمن صحرا شکل گرفت و در طول کمتر از یکسال که هنوز سایه سرکوب و



کشتار بر کشور حاکم نشده بود بابتکار ستاد مرکزی شوراها بیش از ۲۵ اتحادیه روستائی هرکدام متشکل از ۷۱۰ ده شورائی روستائی تشکیل و دهقانان در این شوراها سازمان یافتند. گسترش مصادره ها و کشت شورائی بتدریج که وارد حوزه زمینداران کوچک و پرشمار میشد اختلافات و درگیریها هم افزایش میافت و ستاد شوراها برای حل این مشکلات و درگیریها، زمینهای مالکان تا ۵۰ هکتار را از شمول مصادره دهقانان و کشت شورائی معاف کرد و این امر در عمل به ضرر کارگران کشاورزی و دهقانان فاقد زمین تمام شد که تعداد آنها بسیار زیاد بود و قاعدتا میبایست نیروی اصلی و پیگیر جنبش شورائی محسوب میشدند با این سیاسیت که در جنبش انقلابی آذربایجان نیز تجربه شده و به رویگردانی و ناامیدی نیروی اصلی پشتیبان فرقه

نتیجه اینکه بطور مثال در مقطع قیام شاهپور غلامرضا پهلوی (۴۰۰۰ هکتار)، عبدالرضا پهلوی (۳۵۰۰ هکتار)، شمس پهلوی (۳۰۰۰ هکتار)، تیمسار پالیزبان (۱۵۰۰ هکتار)، تیمسار امجدی (۱۵۰۰ هکتار)، ارتشید قره باغی (۱۲۰۰ هکتار)، ارتشید اویسی (۱۴۰۰ هکتار)، ارتشید بدره ای (۱۵۰۰ هکتار)، روحانی وزیر کشور وقت (۴۰۰ هکتار) و سایر دولتمردان و افراد صاحب نفوذ رژیم که مرغوب ترین و حاصلخیزترین اراضی منطقه را با زور و تهدید و تطمیع از چنگ روستاییان تورکمن در آورده و به نام خود سند زده بودند. شکایات روستاییان با بی توجهی دستگاه های قضایی و مقاومت آنها در مقابل غصب زمین ها با زندان و شکنجه روبرو می شد □ بطوریکه از ۱۴۵ هزار هکتار از زمینهای مرغوب در مالکیت ۱۰۶ زمیندار و بورژوا ملاک قرارداد داشت که از این تعداد ۴۸ نفر بوی بقیه وابستگان به دربار و مقامات دولتی بودند

بدین ترتیب در جریان قیام و یکسال بعد از آن جنبش دهقانی در ترکمن صحرا و سپس تاسیس شوراهاى دهقانی در این منطقه از زمینه مادی برخوردار بود و از دیر باز تضاد و درگیری بین دهقانان و صاحبان و غاصبین زمینها به اعتراضات و درگیریها منجر میشد که همواره با سرکوب و زندان مواجه شده . توسط عمال رژیم خابانده میشد.

بعد از آغاز به فروپاشی رژیم شاه و متواری شدن غاصبین زمینها و عوامل رژیم، دهقانان و کشاورزان شروع به مصادره زمینهای کردند که بزور از دستشان گرفته شده بود. البته این مصادره ها کم و بیش بادرگیری در اغلب مناطق توام بود. سرانجام روستائیی که زمینها را مصادره کرده بودند میبایست مشکلات میان خودشان را هم حل میکردند اینکه زمینهای بزرگ که بصورت مکانیزه کشت میشد چگونه تقسیم شوند و آیا اساسا تقسیم این زمینها به قطعات کوچک مقرون به صرفه خواهد بود یا نه ؟ و نیز حل اختلافاتی که در این مورد و در موارد دیگر بین ساکنین پیش

از برنامه سازمان اتحاد

فدائیان کمونیست در مورد

حقوق ملیت ها

...

جمهوری فدراتیو شورایی ایران ، تساوی حقوق کلیه شهروندان را صرف نظر از نژاد، ملیت ، مذهب ، عقیده ، جنسیت ، زبان و غیره در تمامی زمینه ها برسمیت میشناسد و با هر گونه امتیاز ، برتری و ستم به اقلیت های ملی ، فرهنگی و ... مبارزه می کند.

پس از قتل ژینا امینی، اعتراضات گسترده‌ای در سراسر کشور صورت گرفت و مقاومت زنان افزایش یافت و وارد فاز جدیدی شد. قیام ژینا یا به عبارتی قیام زن، زندگی، آزادی از این جهت قابل توجه است که در تاریخ صد ساله مبارزات زنان در ایران و خاورمیانه و به‌طور کلی شمال آفریقا، هرگز شورش گسترده‌ای علیه حجاب اجباری صورت نگرفته است. این قیام بدون شک فضای سیاسی ایران را تغییر داد و نقطه عطف تاریخی در مبارزات زنان برای آزادی و برابری بود.

اگرچه این شورش با انگیزه مخالفت با حکومت تئوکراتیک پدرسالار آغاز شد، اما بسیاری از مسائل اجتماعی دیگر همچون نقض حقوق اقلیت‌های ملی و جنسی، ستم طبقاتی، فقر، بیکاری، مشکلات زیست‌محیطی و سرکوب را نیز بیش از پیش آشکار کرد. ماهیت اقتدارگرایانه- سرمایه‌داری-تئوکراتیک دولت اسلامی سرکوب آزادی اندیشه و بیان و اعمال دیگر اشکال ستم اجتماعی است که در ارتباط تنگاتنگ با ستم طبقاتی و استثمار قرار دارند. و از آن می‌توان به‌عنوان نظام سرکوبی یاد کرد که در تمامیت بافت جامعه ریشه دوانده است. دولت این روابط را بر مبنای شرع و در چارچوب قوانین اسلامی مشروعیت می‌بخشد.

اما قیام زن، زندگی، آزادی مشروعیت حکومت دینی را از بین برد. مردم از سراسر جهان با مردم ایران که برای آزادی، دموکراسی و برابری در حال رزم خیابانی بودند، هم‌بستگی نشان دادند. سوزاندن روسری یک تحول عمیق فکری و فرهنگی ایجاد کرد که می‌تواند پیامدهای تاریخی داشته باشد. جوانان دهه هشتادی با انرژی و اراده شگفت‌انگیز در برابر هجوم گله‌های ارتجاع مقاومت می‌کردند

ادامه در صفحه ۷

تأثیر شگرف قیام زن، زندگی، آزادی بر مبارزات زنان

حمید رضا





این شورش موضوع دیگری را نیز روشن می‌کند. بخش قابل توجهی از درون نظام (اصلاح‌طلبان) که ۳۰ سال است با گسترش این توهم که می‌توان بدون انقلاب در حقوق بشر و سایر مسائل پیشرفت کرد، و یا سلطنت‌طلبان و پس مانده‌های نظام پادشاهی و دم و دنباله‌های سلبریتی آنها که سعی در منصرف کردن مردم از انقلاب داشتند. اما این توهم شکسته شد و مشخص شد که زنان به‌عنوان یک گروه اجتماعی جزء لاینفک نیروهای انقلابی هستند که بایستی ۴۴ سال پیش درک می‌شد. تحت کنترل نگه‌داشتن بدن و تمایلات جنسی زنان ابزار ایدئولوژیکی است که توسط دولت سرمایه‌داری تئوکرات و شیفتگان سرمایه‌داری خارج از حاکمیت برای تضمین هماهنگی اجتماعی در چنین نظامی استفاده می‌شود.

حاکمیت مصمم است که از مردم انتقام بگیرد و برای انجام این امر که برایش حیاتی قلمداد می‌شود ابزارهای سرکوب متفاوتی را به کار بسته و خواهد بست. از سرکوب عیان گرفته تا تلاش برای به انحراف کشاندن قیام و تضعیف آن. میزان خشونت و روشی که آنها به‌منظور سرکوب قیام زن، زندگی، آزادی به کار می‌برند در چهار دهه اخیر کم سابقه بوده است.

هدف اولیه این خشونت دولتی سرکوب اعتراضات از طریق ایجاد فضای ترس و ارعاب است. برخی از روش‌هایی که دولت تاکنون استفاده کرده است عبارتند از: تعداد اعدام‌ها به‌طور قابل توجهی افزایش یافته‌است که عمدتاً اقلیت‌های ملی مانند اعراب، بلوچ‌ها و کردها را هدف قرار می‌دهد. برای توجیه این اعدام‌ها، از روش «اعتراف اجباری» برای متهم کردن تظاهرکنندگان

آموزش عالی مجبور به بازنشستگی یا اخراج می‌شوند. هنرمندان، نویسندگان و ورزش‌کاران مشهور حامی اعتراضات دستگیر و یا تهدید می‌شوند. پزشکان معالج تظاهرکنندگان مجروح بازداشت، دستگیر و شکنجه می‌شوند.

سهم بودجه اختصاص یافته به ارتش و نیروهای اطلاعاتی و امنیتی سرکوبگر به میزان قابل توجهی افزایش یافته‌است. در لایحه بودجه ارائه شده از سوی دولت، افزایش چشمگیر اعتبارات ارتش، نهادهای امنیتی و تبلیغاتی پیش بینی شده است.

معلمان مخالف حملات شیمیایی (مسمومیت دانش‌آموزان دختر) تهدید می‌شوند. در حالی که این حملات، که عمدتاً دختران را هدف قرار می‌دادند، در مدارس ادامه داشت، معلمانی پیام‌های تهدیدآمیزی از سوی سازمان‌های مجری قانون بر روی تلفن‌های خود دریافت کردند که به آنها در مورد حمایت از اعتراضات هشدار می‌داد.

ادامه در صفحه ۸

بازداشت شده به جنایت استفاده می‌شود. دسترسی به اینترنت محدود شده و به اشتراک‌گذاری اطلاعات جرم تلقی می‌شود. اظهار نظر علنی در مورد اقدامات رسمی دولت جرم محسوب می‌شود. اقدامات سرکوبگرانه برای اجرای قوانین حجاب اجباری تشدید شده‌است و اقدامات تنبیهی جدیدی از جمله استفاده از دوربین‌های امنیتی برای شناسایی و مجازات زانی که قوانین لباس را رعایت نمی‌کنند اعمال شده است. علاوه بر این، حساب بانکی زنانی که از حجاب خودداری می‌کنند به‌حالت تعلیق در آمده و مشاغلی که از قانون حجاب اجباری پیروی نمی‌کنند، بسته خواهد شد. تعداد محل‌های کار (رستوران‌ها، کافه‌ها، هتل‌های ارائه‌دهنده خدمات گردشگران، مغازه‌ها، مراکز مشاوره، سالن‌های ورزشی) پلمپ شده بعد از قیام ژینا قریب به ۲۰۰۰ واحد است. که در نتیجه چنین اقدامات سرکوبگرانه ای هزاران نفر بیکار گشته اند.

دانشجویانی که قانون حجاب اجباری را رعایت نمی‌کنند با خطر اخراج مواجه می‌شوند. برخی از دانش‌آموزان به‌اجبار به سایر نقاط کشور منتقل شده‌اند و برخی به‌دلیل عدم شرکت در کلاس‌ها مجازات‌های مختلفی دریافت کرده اند. اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات

و روشنفکران برجسته متوجه نشدند که سرکوب حقوق زنان تا چه حد بزرگ است و پرچم اعلان جنگ رژیم به مردم را نادیده گرفتند.

برخی حتی به تظاهرکنندگان زن توصیه کردند که بر روی موضوعاتی تمرکز کنند که آنها را برای انقلاب ضروری تر می‌دانند. آنها نادیده گرفتند که محروم کردن زنان از آزادی تصمیم‌گیری در مورد ابتدایی‌ترین حق یک انسان یعنی انتخاب پوشش، عواقبی خواهد داشت که فراتر از غصب حق انتخاب است. آنها نمی‌توانستند ببینند و درک کنند

که تلاش‌های دولت برای کنترل بدن و تمایلات جنسی زنان، وادار کردن آنها به تسلیم شدن و پذیرش مفهوم زنانگی / مادری تعریف‌شده توسط دولت، اعمال محدودیت‌هایی بر فعالیت اجتماعی‌شان و تقلیل بدن‌هایشان به ماشین‌های تولید مثل است. پس از قیام بهمن ماه ۵۷، دولت اسلامی یک سیاست تبعیض جنسیتی در تمام جنبه‌های زندگی زنان به اجرا درآورد.

برخی از زنان از ادامه تحصیل در رشته‌های خاص منع شدند. بسیاری از زنان حرفه‌ای، معلمان و کارمندان دولت مجبور به رعایت قانون حجاب اجباری، بازنشستگی زودهنگام یا استعفا شدند. اما تشدید محدودیت‌ها و خشونت دولتی جرعه مقاومت قاطع تری را در میان زنان برانگیخت. تعداد زنانی که به دانشگاه می‌روند، ترجمه می‌کنند، مقالات فمینیستی منتشر می‌کنند، کتاب، مجلات و رمان می‌نویسند. گروه‌های مختلف زنان تشکیل شد که خواستار اصلاح قانون خانواده، مخالفت با شیوه‌هایی مانند سنگسار و اعدام، دفاع از زندانیان سیاسی و آزادی بیان و اعتراض به ممنوعیت دوچرخه سواری و ورود زنان به ورزشگاه‌ها بودند.

ادامه در صفحه ۹



سرکوبگرانه حاکمیت، زنان، معلمان، دانش آموزان، نویسندگان، هنرمندان و روشنفکران کُرد تلاش کرده‌اند تا سازمان‌ها و جوامع جایگزینی را برای رسیدگی به مسائلی مانند نابرابری، فقر، خشونت علیه زنان و گسترش زبان مادری و فرهنگ خویش ایجاد کنند.

آنها دست به ابتکارات مختلفی می‌زنند، از جمله تأسیس خانه‌های انتشاراتی و موزه‌های کوچک. با این حال، آنها اغلب به دلیل فعالیت‌های خود با دستگیری و حبس و یا حتی محکومیت اعدام مواجه می‌شوند. کردها که قریب به ۱۵ درصد از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، اما به مدت بیش از ۴۰ سال است که تقریباً ۵۰ درصد از زندانیان کشور شامل آنها شده است. اما درک این نکته نیز حائز اهمیت است که کردها تنها اقلیت ملی نیستند که مورد ستم ملی، فرهنگی و اقتصادی دولت قرار می‌گیرند. اقلیت‌های عرب، بلوچ و ترک نیز مورد خشونت و سرکوب حاکمیت قرار می‌گیرند.

در ابتدای بحث گفتیم که جنبش زنان بایستی ۴۴ سال پیش درک می‌شد. و اما چرا؟ پس از اعلام ضرورت حجاب توسط خمینی در سال ۱۳۵۷، زنان در صف مقدم مخالفان رژیم اسلامی قرار گرفتند. بسیاری از جناح‌های سیاسی

ادامه از صفحه ۷

در کنار تمام این اقدامات سرکوبگرانه، حاکمیت تلاش بی‌وقفه‌ای را برای به انحراف کشاندن قیام آغاز نمود که انجام آن را به اصلاح‌طلبان، منتظر السطنه (رضا پهلوی) و ارادل و اوباش خارجه نشین و پس مانده نظام پادشاهی و سلبریتی‌هایی محول نموده که از خون ریخته شده مردم بر کف کوچه و خیابان ارتزاق می‌کنند.

و اما شدت سرکوب در کردستان به‌عنوان نقطه آغاز قیام زن، زندگی، آزادی و رای تصورات بوده و هست. هر چند شدت سرکوب در این منطقه افزایش یافته به همان میزان بر شدت و حدت مقاومت در اشکال مختلف آن افزوده شده است. در جایی که شعار «مقاومت زندگیست» (ورد زبان کودک و پیر و جوان آن باشد مقاومت تبدیل به یک اصل و رکن اساسی در زندگی مردم شده و الهام بخش سایر ملیت‌ها خواهند شد.

جنبش مقاومت کردها در طی چهار دهه اخیر به‌شدت توسط دولت سرکوب شده و در نتیجه منطقه کاملاً میلیتاریزه شده است. دولت همچنین مکانیسم‌های فشار اقتصادی و فرهنگی را برای تقویت عملیات امنیتی با تمام توانش به کار گرفته است. در برابر تمام اقدامات

**تازمانیکه ستم و سرکوب
واعمال تبعیض و استثمار
وبی حقوقی واقعیت زندگی
روزانه زنان را تشکیل
میدهند و تاوقتیکه سنت
های مردسالارانه و دیدگاه
های زن ستیزانه درروابط
ومناسبات انسانها محلی را
اشغال کرده باشد، هنوز
ازآزادی ورهائی واقعی ابناء
بشر حرفی نمیتواند درمیان
باشد.**

**سازمان اتحاد فدائیان
کمونیست**



قیام زن ، زندگی، آزادی پتانسیل تبدیل شدن به یک جنبش انقلابی را دارد البته بسته به مشارکت فعال جوانان و متعاقب آن درک افراد از پیچیدگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایجاد جامعه‌ای در آینده که از نظر فرهنگ و زبان اساساً متنوع و متفاوت است. چالش فقط سرنگونی رژیم تئوکراتیک نیست. مبانی سرمایه داری اسلامی نیز باید مورد توجه قرار گیرد. در ایران حاکمیتی بر مسند قدرت است که به شدت در نظام سرمایه‌داری -امپریالیستی جهانی ادغام شده است.

اگر نتیجه این شورش به گذار از یک رژیم پدرسالار-سکولار-سلطنتی به یک جمهوری پدرسالار-تئوکرات محدود شود، همان طور که در سال ۱۳۵۷ اتفاق افتاد و یا بالعکس ممکن است پیشرفت‌های موقتی در زمینه‌های خاصی از آزادی فردی وجود داشته باشد، اما تضادهای زیربنایی همچنان باقی خواهد ماند و تقویت خواهد شد.

ادامه از صفحه ۸

با این حال، سرکوب بی وقفه و بی امان علیه فعالان زن، همراه با سیاست‌های اقتصادی نئولیبرالی که مکانیسم‌های حمایت قانونی و کمک‌های اجتماعی را حذف می‌کند، جنبش حقوق زنان را آسیب‌پذیر کرد. این شرایط زنان را فقیرتر و ناامن‌تر کرده است و به افزایش نرخ فحشا، بی خانمانی و اعتیاد به مواد مخدر در میان زنان منجر شده است. علی‌رغم خطرات زندان، شکنجه و اعدام ناشی از ابراز اندیشه، نوشتن و دفاع از حقوق زنان، زنان به مقاومت خلاقانه و شجاعانه خود در برابر محدودیت‌های مذهبی و فرهنگی تحمیل شده توسط دولت تئوکرات طی این چند دهه اخیر ادامه داده اند.

قیام زن ، زندگی، آزادی نتیجه و اوج مقاومت ۴۴ ساله زنان بود که در شعار «زن، زندگی ، آزادی » بیان شد. این قیام نشان می‌دهد که زنان آگاهند که برابری جنسیتی تنها از طریق درک همه جانبه از پویایی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه آینده که دستخوش دگرگونی عادلانه و اساسی شده است، محقق می شود. برای رسیدن به چنین جامعه‌ای مداخله نظری و سیاسی بی وقفه و عمیق لازم است. امواج اعتراض ممکن است فروکش کرده باشد اما خاموش نگشته است. اینجا و آنجا جرقه‌های مقاومتی به گوش می رسد، و این جرقه‌ها معمولاً به شدت سرکوب می شوند.

اما مقاومت مردمی این گونه است. شعله‌های آتش هرگز نمی‌توانند به‌طور کامل خاموش شوند و گرمای آن در زیر انبوهی از خاکستر بار دیگر به آتشی با شعله‌های سرکش سر بر خواهد آورد

آغاز مبارزه مسلحانه چریک‌ها، افق گسترده‌ای را در سپهر سیاسی ایران باز کرد و در کمتر از هفت سال، اقدام انقلابی آن‌ها در خیزش توده‌ای بهمین ۵۶ تبریز، شهر صمد بهرنگی‌ها، بهروز دهقانی‌ها، علیرضا نابدل‌ها، و ده‌ها دل بسته سوسیالیسم و آزادی، جرقه خورد و سراسر ایران را فرا گرفت و سرانجام توده‌های زحمتکش مردم با قیام مسلحانه ۲۲ بهمین ۵۷ رژیم ستم‌شاهی را به‌گور سپردند.

اینک ۵۳ سال از حماسه سیاهکل و ۴۵ سال از قیام توده‌های مردم می‌گذرد. به‌دلایل مختلف از جمله ضربات پی در پی رژیم شاه به سازمان‌ها و عناصر آزادی‌خواه و پیشرو و سوسیالیست جامعه، به‌ویژه ضربه نابودکننده سال ۵۵ به سازمان چریک‌های فدائی خلق، و نیز سطح پایین آگاهی و تشکل طبقه کارگر و زحمت‌کشان، فرصت طلایی در اختیار صاحبان قدرت و ثروت و نیروهای ملی و مذهبی قرار داد و زمینه را فراهم کرد تا ارتجاع مذهبی در سازش با امپریالیسم و با تحویل گرفتن ارتش و بوروکراسی، قدرت را قبضه کند و انقلاب را در نیمه راه با شکست مواجه سازد.

ادامه در صفحه ۱۱



به یاد و خاطره پنجاه و سومین سالگرد حماسه سیاهکل و ۴۵ مین سالگرد قیام بهمین ماه ۱۳۵۷

چنین بود هدف بنیان‌گذاران سازمان و رزمندگان سیاهکل و صدها و هزاران فدائی که در راه تحقق آرمان آزادی و سوسیالیسم جان باختند. اما این خون‌ها و شکنجه‌ها و زندان‌ها و آوارگی‌ها به هدر نرفته و نمی‌روند. رسیدن به آزادی و آرمان‌های انسانی هزینه‌های سنگینی در پی داشته و خواهد داشت.

روز ۱۹ و ۲۲ بهمین ماه از جمله روزهای تاریخی مهم و به یادماندنی در مبارزات توده‌های زحمتکش مردم ایران محسوب می‌شوند. در ۱۹ بهمین ۱۳۴۹ تلاش نظری و تدارک عملی چندین ساله عده‌ای از کمونیست‌های ایران برای پایان دادن به فضای یأس و بی‌عملی حاکم بر جامعه و نیروهای سیاسی، به ثمر نشست و با حمله به پاسگاه سیاهکل مبارزه مسلحانه علیه دستگاه جهانی شاه و حامیان امپریالیست‌اش را آغاز کردند.

هدف غائی مبارزه مسلحانه رفقای ما با طبقات حاکم و رژیم سلطنتی و حامیان امپریالیست آنها تدارک پیروزی انقلاب و استقرار آزادی و سوسیالیسم بود. آن‌ها به مثابه پیشاهنگان و پیشگامان توده‌های تحت ستم و استثمار، با تحلیل مشخص از شرایط عینی جامعه، مشی مسلحانه را اتخاذ کردند تا قدر قدرتی شاه و جو رعب و هراسی را که بعد از کودتای ۲۸ مرداد بر جامعه مستولی شده بود، در هم شکنند؛ طبقه کارگر و توده‌های مردم را به قدرت لایزال و شکست‌ناپذیر خود آگاه سازند تا بتوانند با سلاح آگاهی و تشکل، نظام ارتجاعی و سرکوبگر حاکم را سرنگون کرده و بر سرنویشت خویش حاکم شوند.



گرامی باد یاد و خاطره رزمندگان سیاهکل و همه انقلابیونی
که در راه آزادی و سوسیالیسم جان فدا کردند.

ادامه از صفحه ۱۰

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی
زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

۱۷ بهمن ماه

بدین ترتیب توده‌های مردمی که برای رسیدن به آزادی، رفاه و برابری قیام کرده بودند، بار دیگر در تله استبداد و خودکامگی طبقه حاکم گرفتار شدند که این بار با تلفیق دین و دولت، تبعیض، نابرابری و ستم و استثمار و زور و سرکوب بسیار خشن تری بر جامعه حاکم کردند.

اکنون کشور ما در مقطع حساسی قرار گرفته است بحران‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تشدید شده‌اند در دو دهه اخیر اعتراضات و اعتصابات و خیزش‌های متعددی صورت گرفته‌اند. رویدادهای اخیر در ایران، منطقه و جهان، جنبش کمونیستی و چپ ایران را با وظایف پیچیده و چالش‌های مهمی مواجه نموده است که در عین توجه به شرایط تحول یافته عینی کنونی، می‌باید از تجربیات سیاهکل و رفقائی که با وحدت تئوری و عمل، و با روحیه‌ای انقلابی به نیازهای مبارزاتی زمان خود پاسخ دادند، آموخت و آموزه‌های انقلابی آنان را در مبارزات جاری به کار بست.

گرامی داشت پنجاه و سومین سالگرد حماسه سیاهکل و چهل و پنجمین سالگرد قیام تاریخی بهمن ۵۷ یادآور مبارزه برای اهداف و آرمان‌های است که هزاران انسان شریف برای تحقق آن‌ها جان فدا کردند. از مبرم‌ترین خواسته‌های کارگران، زنان، جوانان، خلق‌های تحت ستم و سایر زحمت‌کشان گرفته که کماکان به‌وسیله طبقه حاکم و دولت مذهبی و ارتجاعی آن انکار و سرکوب شده و می‌شوند، تا آرزوی زیستن در دنیایی آری از ستم و استثمار و تبعیض و نابرابری و زور و سرکوب که موانع مهم رهایی بشریت از نظام منحط سرمایه داری محسوب می‌شوند.

یاد و خاطره حماسه آفرینان سیاهکل و همه شهدای راه آزادی و سوسیالیسم را گرامی داریم و از تجربیات نسل‌های گذشته بیاموزیم و با تحکیم صفوف خود مبارزه برای رسیدن به آزادی و سوسیالیسم را گسترش دهیم.





تا زمانی که ستم و سرکوب
و اعمال تبعیض و استثمار
و بی حقوقی واقعیت زندگی
روزانه زنان را تشکیل
می دهند، تا وقتی که
سنت های مردسالارانه و
دیدگاه های زن ستیزانه
در روابط و مناسبات انسانیها
محلی را اشغال کرده باشد،
هنوز از آزادی و رهائی
واقعی ابناء بشر حرفی
نمی تواند در میان باشد.